

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۲Q۳۰۱۰۰۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

بررسی مصادیق بزهکاری زنان در نظام کیفری

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۲)

اعظم گلابگیران

چکیده

خشونت علیه زنان یا بزه دیدگی خاص جنسیت آنها مخصوصاً در فضایی که آن ها به شدت تحت کنترل هستند. پدیده ای کهن و مساله ای جهانی که و خامت آن به اندازه ای است که ایجاب می نماید کشور های مختلف متناسب با امکانات و ویژگی های خود ریشه های آن را شناخته و با بسیج تمام امکانات به کنترل و مهار آن قیام نمایند و این امر زمانی به بهترین وجه می تواند خود را نشان دهد که این موضوع بایستی فراتر از جانبداری های متعصبانه و جنسیتی صورت گیرد. مسئله خشونت علیه زنان قبل از آنکه یک مسئله خانگی، محلی، شهری، کشوری یا منطقه ای باشد یک مساله جهانی است. بعضی از طبقات همچون زنان به دلیل عوامل خاص زیست شناختی و اجتماعی پیش زمینه و استعداد قبلی برای بزه دیده واقع شدن دارند و براساس یافته های جرم شناختی بزه کاران بالقوه قربانیان خود را غالباً از میان افرادی انتخاب می کنند که ارتکاب جرم بر روی آنها دارای خطر و هزینه های بالایی نباشد. بنابراین زنان به عنوان افراد بالقوه آسیب پذیرتر از مردان آماج های مطلوبی برای آنها محسوب می شوند. جنسیت افراد به عنوان یکی از عوامل مهم آسیب پذیری پیش تر افراد نام می برد که زنان را در جامعه آسیب پذیرتر از مردان می کند. استعداد ما پیش زمینه ی بزه دیدگی زنان را می توان هم در درون خانه و هم بیرون از آن بررسی کرد. در بیرون خانه به خاطر خصوصیات خاص زیست شناختی که آنها را سیل های مناسبی برای بزه کاران بالقوه قرار می دهد، ممکن است در معرض تمرینات جسمی و جنسی قرار بگیرند. در درون خانه به دلیل بالا بودن قلم سیاه بزهکاری به خشونت های خانوادگی آسیب پذیری زنان افزایش می یابد.

واژگان کلیدی: بزهکاری زنان، خشونت علیه زنان، تبعیض جنسیت، حقوق زنان، جرایم

جنسی

گفتار اول: مصادیق بزه دیدگی براساس نوع آسیب و صدمه

در ابتدای این مقاله باید گفت منظور از آسیب هر نوع ضرر و زیان، خسارت و صدمه به جان، مال، ناموس و آبرو و روح آدمی است که در اثر جرم بزه دیده متحمل می شود ضرر کلمه ای عربی و زبان لغتی فارسی است و غالباً ۲ کلمه را معادل یکدیگرند باهم به کار می برند. ضرر و زیان عنوان خاص قانونی است. اما در قانون تعریف نشده است و قانونگذار آن را بدیهی تلقی کرده و خود را از تعریف آن بی نیاز دیده است. آسیب های مادی وارد بزه دیده به ۲ دسته کلی یعنی آسیب های وارد بر مال بزه دیده و آسیب های وارد بر تمامیت جسمانی او تقسیم می شود.

آسیب های جسمانی عبارت است از ضرری که به حیات انسانی یا سلامت او وارد می آید. این نوع ضرر ممکن است به صورت ایراد ضرب و جرم بر بدن ایجاد مریضی، نقص عضو، از کار افتادگی دائم و موقت و بالاخره مرگ متجلی بشود. این نوع آسیب از جهتی شبیه آسیب مادی و از جمعیت دیگر همانند آسیب معنوی است و آسیب مالی خساراتی است که بر اثر ارتکاب جرم به اموال و دارایی های بزه دینه وارد می شود. آسیب مالی ممکن است به صورت از بین رفتن عین مال یا از بین رفتن منفعت آن و سرانجام از بین بردن حق ایجاد شود و نوع دیگر آسیب، آسیب های معنوی است که در متون قانون ما از آسیب و زیان معنوی تعریفی به عمل نیامده و فقط در ماده ۹ قانون آیین دادرسی به ذکر مصادیق تمثیلی آن اکتفا شده است. اما علمای حقوق در مقام تعریف ضرر معنوی تعابیر و تعاریف گوناگونی به کار برده اند. یکی از حقوقدانان در مورد تعریف ضرر معنوی می نویسد: در تعریف زیان معنوی دشوارتر است و برای این که مفهومی از آن به دست داده باشیم می توان گفت صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی است: مانند احساس درد جسمی و رنج های روحی از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی و سپس ادامه می دهد: باید دانست که تعیین مرز بین ضررهای مادی و معنوی به طور قطع امکان ندارد، زیرا بسیاری از صدمه های روحی و اخلاقی باعث ایجاد زیان های مالی نیز می شود و در روابط مالی شخص با دیگران نیز آثار نامطلوب دارد. به هر حال آسیب های معنوی به ۲ گروه تقسیم می شوند.

۱- زیان های وارد به حیثیت و شهرت به طور خلاصه آنچه در زبان عرف، سرمایه یا دارای معنوی شخص است.

۲- لطمه به عواطف و ایجاد تالم و تاثیر روحی که شخص با از دست دادن عزیزان خود با ملاحظه درد و رنج آن ها می بینند.

بند اول: خشونت جسمی علیه زنان

خشونت علیه زنان فقط به کتک زدن و تنبیه جسمی گفته می شود کلمات توهین آمیز شک بدبینی که در جماعت مردان آن را خوش غیرتی می دانند همان خشونت است. که بر زنان به اصول مردان ضعیفه اعمال می شوند و هیچ گاه نمی فهمد این زن از چه درد می کشد و چه می خواهد و چه رویاهای در سر دارد. بخش اعظم جامعه زنانی تشکیل داده اند که هیچ از خود و حقوقشان نمی دانند و زن خوب بودن را از کدبانو بودن شستن، رفتن، پختن و بچه داری می دانند و دلشان خوش است به موجودات از خود گذشته و پاکی هستند و بهشت زیر پای آنان است. زنان در همه دوران زندگی خود ممکن است با خشونت روبه رو شوند. خشونت جسمی همانطور که از نامش پیداست شیوه ای آزار و اذیت جسمانی، ضرب و جرح، کشیدن مو و سوزاندن، گرفتن و بستن، زندانی کردن، اخراج از خانه، کتک کاری مفصل همه از نمونه های بارز خشونت جسمانی علیه زنان است. زنان به دلیل قدرت بدنی کمتر از مردان مداوا تحت فشار و تنبیه بدنی و خشونت جسمانی قرار می گیرند.

بند دوم: خشونت جنسی علیه زنان

در تعریفی عام خشونت جنسی: هر نوع رفتار خشن، نامتعارف، غیر شرعی یا غیر قانونی جنسی، اعم از لمس کردن بدن تا تجاوز و شک حیثیت بدون رضایت خود و یا اعمال عنف علیه او از قبیل تماس بدنی، مزاحمت، ازار جنسی، فحشای اجباری، تجارت جنسی، تهیه عکس و فیلم مستهجن، قاچاق زنان، ختنه دختران، حاملگی اجباری و... را شامل می شود. لکن خشونت جنسی در ارتباط زناشویی، تعریف خاصی را می طلبد و آن عبارت از هر گونه بد رفتاری جنسی زوج علیه زوجه برقرای ارتباط به روشی نامتعارف و یا اعمال عنف یا ایجاد رابطه جنسی، اجبار به ایجاد رابطه در زمان عادت ماهیانه و یا شیوه های غیر طبیعی، بی تفاوتی در ارتباط رابطه جنسی، قطع رابطه جنسی... را نام برد. آنچه در فرهنگ عامه و باور اینکه با عقد ازدواج شوهر مجاز به هرگونه تمتع از زن می باشد.

دستاویز آنها اشاره به آیه ۲۲۳ سوره بقره^۱ و آیه ۳۴ سوره نسا می باشد. که با سو تعبیر از آیات شریفه قرآن توانسته اند حقی را برای خود متصور شوند که فقط ناشی از تعبیر و نگرش ایشان و مصلح نگری به معنای عمیق است این طرز تفکر منجر به بی توجهی به عواطف و احساسات زن شده که در بسیاری از مواد زمینه ساز بروز چنین رفتارهایی می گردد.

از اثرات جسمی این قسم خشونت می توان از خونریزیهای مکرر، نازایی، نارضایتی جنسی، بیماریهای مسری مقاومتی، قطع قاعدگی، آثار ضرب و شتم، پارگی روده و در نتیجه عفونت و مرگ نام برد. در میان انواع خشونت گروههای جنسی بر زنان نقش انحرافات جنسی بسیار حائز اهمیت می باشد. به این معنا که این افراد کسانی هستند که اساس لذت جنسی آنان با رفتار اکثریت مردم عادی جامعه متفاوت است. این انحراف طیف وسیعی از روشهای افراطی و نامتعارف جنسی را در بر گرفته و در حداکثر موارد همسرانی آنها را به آسیب های جنسی، جسمی و روانی دچار می سازد و مهمترین آنها عبارتند از سادسیسم، مازوئیسم و جنون جنسیتی از آنجا که ایران آمار رسمی و دقیقی از میزان اینگونه رفتار و روابط زناشویی وجود ندارد و زنان قربانی این رفتار به علت شرم و حیای زیاد، ترس آنها و از دست دادن زندگی مشترک خود شدیداً تمایل دارند مشکل خود را در این زمینه پرده پوشی کنند تحقیق در این مورد حتی در مباحث نظری هم با بن بست های زیادی مواجه می شود. در ایران درجه پذیرش خشونت جنسی در خانواده ها بسیار بالا است در زمینه آن با تاکید مقنن ایران بر تمکین خاص از زوج مساعدتر می شود. تمکین عبارت است از اینکه زن خود را آزاد بگذارد برای شوهرش در هر مکان خود را بدست او دهد مگر در مواردی که قانون او را معذور شمرده است: مانند ایام حیض و مرض مانع تمکین لازم به ذکر است که تمکین به انواع عام و خاص تقسیم می شود لکن عدم تسریع قانونگذاری بر لزوم متعارف بودن تمتع جنسی زوج، آمیزش جنسی با شوهر به هر نحو که او خواستار باشد را متبادر به ذهن ساخته و زمینه ساز سو استفاده اشخاص می شود که با تمسک به این جواز قانونی، ایجاد رابطه ای ناسالم و نامتعارف یا بودن رضایت قلبی با همسر خود اقدام

۱-سوره بقره ایه ۲۲۳: زنان کشتزارهای شما هستند پس هر زمان که خواستید وارد کشتزار شوید.

۲-سوره نسا آیه ۳۴: مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آنکه مردان باید از مال خود به زن اتفاق دهند.

می نماید و چنانچه زن بخواهد از این موضوع امتناع نماید با عنوان ناشزه روبرو می گردد.

بند سوم: خشونت روانی علیه زنان

نوع دیگر از خشونت که عمدتاً در محیط خانوادگی بر زنانی اعمال می شود بدرفتاری یا به عبارت دیگر خشونت روانی است. این نوع از خشونت لزوماً همراه با خشونت های بدنی نیست و ممکن است به تنهایی به عنوان یک ابزار تحقیر کننده و تضعیف کننده روحیه علیه زنان، توسط شوهران به کارگرفته شود. این نوع از سوء استفاده از قدرت و خشونت هم دارای دامنه وسیعی از رفتار می باشد که مرتکب سعی می کند توسط آن اعتماد به نفس را از زن گرفته و همواره به او به عنوان جنس دوم بنگرد و این رفتار این چنین در طول زمان تکرار می شود.

در یک تعریف خشونت روانی در زندگی زناشویی از جانب زوج عبارت از هرگونه رفتار با کلامی که مرد با آن شرافت و آبرو و شخصیت و حرمت انسانی همسر خود مخدوش سازد و با عملکرد خود با ایجاد محدودیت بر زن موجب کاهش اعتماد به نفس، احساس حقارت، تخریب شخصیتی افسردگی و ایجاد حس عدم رضایت در زن گردد و به شکل مستقیم و غیر مستقیم، تزلزل روحی او را ایجاد می کند. این نوع از خشونت های شفاهی نیز تعبیر می شود و از مصادیق گسترده این نوع آزار می توان به مواردی چون انتقادهای ناروا، بد دهانی، توهین و تحقیر، سرزنش، اعتراض مداوم به موضوعات مختلف زندگی، کوچک کردن فرد در جمع، تمسخر، فحاشی، تهدید به ازدواج مجدد یا طلاق تهدید به قطع مواجب مالی یا تهدید به گرفتن فرزندان و آبروریزی در محل کار یا تحصیل زن. جدا کردن زن از دوستان یا افراد فامیل، ممنوعیت از دیدار با اعضای خانواده و تلقین مداوم و بی ثباتی و ناکارآمدی... اشاره نمود.^۱

خشونت های روانی همانطور که از نامشان برمی آید روح و روان زن را مورد تهاجم جملات و آسیب ها قرار می دهد. برخلاف صدمات بدنی که اثر مستقیم آن ها قابل مشاهده است. مشکلات و ناراحتی های روانی ممکن است بعد از مدتی بروز کند که بعدها این گونه حالات روحی، جسم زن را نیز مورد تهدید قرار می دهد. زنی که مورد چنین بی مهری قرار

۱-مچی- سیده فاطمه- آسیب شناسی اجتماعی زنان- خشونت علیه زنان. فصل نامه کتاب زنان. شماره ۱۴۵ زمستان

گرفته باشد. بسیار ضعیف شده و اعتماد به نفس به شدت کاهش می یابد. دسته زیادی از این زنان به لحاظ از دست دادن روحیه و امید به زندگی و افسردگی شدید دست به خودکشی می زنند.^۱

پاره ای دیگر نیز به لحاظ کمبود محبت هر دستی که به سویشان دراز می فشارند و محبت او را پذیرا می شوند هرچند بدانند که پوچ و ظاهری است. بدین گونه است که این رفتار ها خود باعث افزایش فساد و انحراف در جامعه خواهد شد و اثر مخرب بیشتر را به دنبال خواهد داشت.

بند چهارم: خشونت اقتصادی و کاری

این قسم از خشونت از جانب زوج در زندگی زناشویی شامل هر نوع رفتاری است که از روی قصد نیست، زن را در امور مربوط به اشتغال، اقتصاد و دارایی، تحت فشار، آزار و تبعیض قرار دهد و مصادیق آن عبارتند از: عدم پرداخت نفقه، بخل، کنترل وسواس گونه خارج منزل، دریافت اجباری حقوق زن، دریافت اجباری ارثیه وی، سوء استفاده یا سرقت اموال و دارایی های همسر، ندادن خرجی خانه و پول توجیبی همه از موارد خشونت اقتصادی علیه زنان است. مردان به دلیل توانایی برتر جهانی و حمایت جامعه از آنان فکر می کنند که بوسیله تحت فشار قرار دادن اقتصادی بر زنان می توانند بر آنان حکومت کنند بسیاری از امتیازهای زندگی را نصیب خود کنند وزن را وابسته به خود کنند تا بتوانند هرطور که می خواهند با زن رفتار کنند. زنی که پایگاه های اقتصادی خود را رها می کند و وارد پیوند زناشویی وی می شود وقتی با خشونت مرد روبرو می شود از ترک او و نابسامانی اجتماعی و اقتصادی بعد از آن می ترسد. وقتی به این نتیجه می رسد که حمایت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی نخواهد داشت به خود می قبولاند که زندگی او همین است. از همه بدتر اینکه اینگونه زنان به خود لقب زن سازش کار و زن صبور می دهند. زن آسیب دیده شیری است که خودش قفسی را به دور خود بسته که میله های آن از بهانه های مختلف ساخته شده است. اگر اعتماد به نفس داشته باشد و این میله ها را بشکند آنوقت می فهمد که چه موجود قدرتمندی است. تغییر ممکن است اما باید عرصه را روی توانمندی های خود باز

کنیم و از شیوه های مختلف استمداد بگیریم.^۱

بند پنجم: هرزه نگاری و پورنوگرافی

اصطلاح پورنوگرافی یا هرزه نگاری برای اشاره تجسمی بی پرده از مسائل جنسی با هدف تحریک یا ارضای جنسی به کار می رود که در قالب های مختلف از جمله: کتاب، فیلم و مجله ارائه می شود. تولیدکنندگان آثار مستهجن ویدیویی که در صنعتی ۱۰ میلیارد دلاری به فعالیت مشغولند همواره با پیش کشیدن مباحثی نظیر آزادی میان و باتشکیل لابی های قدرتمند سیاسی. به دنبال کسب آزادی بیشتر هستند هرچند این آزادی به بهای تحقیر جایگاه زن، خشونت علیه زنان، تبدیل زنان به کالاهای مصرفی و بدآموزه های اجتماعی بدست می آید. به علاوه تبدیل این آثار به معلمان آموزش جنسی و به تصویر کشیدن روابط جنسی خشن با زنان به گسترش سلطه جویی مردان در همه زمینه ها انجامیده است. امروزه حد و مرزهای اندکی مانده است که در مسابقه لجام گسیختگی تهیه کنندگان آثار عرضه پورنوگرافی در ارائه آثار شوک برانگیز، تحقیر آمیز و ارتباط دهنده واکنش غریزی انسان ها با لذت جنسی مورد تجاوز قرار گرفته است.

آنچه دستمایه ی چنین برده کشی جنسی از زنان می شود لغت لوث شده ی آزادی بیان و آزاری زنان است. آزار زنان پوششی است برای بهره کشی اقتصادی و جنسی هرچه بیشتر از زنان در جهان است.

در نگاه اول به نظر می رسد برترین خطر از ناحیه پورنوگرافی متوجه روابط عاشقانه زوجین در خانواده است. متأسفانه این طور نیست وحشتناک ترین تاثیر این فیلم ها ترویج پدیده شوم و غیر انسانی تجاوز به محارم و اقارب است. یکی دیگر از آثار هرزه نگاری روابط جنسی با حیوانات است. زنانی که مورد خشونت هرزه نگاری قرار می گیرند. در دراز مدت دچار مشکلاتی از قبیل از دست دادن اعتماد به نفس، کاهش شدید عشق و کاهش توان عاطفی، تضعیف انسانیت، نقش بستن تصاویر جنسی در مغز و تاثیر آن بر رفتار جنسی، انزوا و کاهش روابط اجتماعی و تحلیل توان عقل، پرخاشگری می شود. گذشته از زنانی که که کارگران صفت محسوب می شوند حتی زنانی که همسرانشان به تماشای این فیلم های مستهجن تماشا می کنند نمی دانند که با این کارشان باعث بدبختی زنهایشان می شوند

وقتی مردی از روی دلخوشی و لذت به تماشای فیلم‌های مستهجن می‌نشیند همین علل او را به تدریج تاثیر ناپود کننده ای بر اعتماد به نفس همسرش دارد.^۱

بخش دوم: مصادیق بزه دیدگی بر اساس مکان وقوع بزه

بعضی از طبقات همچون زنان به دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی، پیش‌زمینه و استعداد قبلی برای بزه دیده واقع شدن دارند و براساس یافته‌های جرم‌شناختی، بزه‌کاران بالقوه قربانیان خود را غالباً از میان افرادی انتخاب می‌کنند که ارتکاب جرم بر روی آن‌ها دارای خطر و هزینه‌های بالایی نباشد. بنابراین زنان به عنوان افراد بالقوه آسیب‌پذیر از مردان آماج‌های مطلوبی برای آن‌ها محسوب می‌شوند ولی بزه‌دیدگی زنان در محیط‌های مختلف اتفاق می‌افتد. در محیط خانه در محیط اجتماع و حتی در خیابان‌ها زنان پیوسته مورد بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند.

بند اول: خشونت در محیط خانه

خانه دیگر پناهگاه نیست. خشونت در خانواده‌ها بیشتر از سرطان و تصادفات جاده‌ای موجب مرگ یا معلولیت جسمی زنان می‌شود. خشونت خانگی شایع‌ترین شکل بزه‌دیدگی زنان است. طبیعت بزه‌دیدگی زنان در محیط خانه به دلیل قدرت غیرمتوازن زن و مرد به گونه‌ای است که می‌توان آن را نوعی شکنجه تلقی نمود. خشونت علیه زنان مفهومی مشکک است. از این رو اعمال با درجات مختلف با توجه به نظر قانونگذار می‌تواند مصداق جرم باشد. قتل، اسیدپاشی، ضرب و جرح، کتک زدن، توهین، ایجاد محرومیت و کمی توجهی همه از مصادیق خشونت علیه زنان در خانه می‌توانند باشد.^۲ زنان در تمام دوران‌های خواهر قبل از ازدواج در خانه پدر و خواه بعد از ازدواج در خانه همسر محتمل رفتارهای خشونت‌آمیز و شکنجه‌های گوناگون می‌شوند در خانه پدری، دختران با محدودیت‌هایی روبرو هستند که با رضایت پدر توجیه می‌شود. اعمال ولایت‌قهری در صورت غبطه و سلاح افراد جایز بوده و در صورتی که بدون حفظ دوام فرد و یا بدون توجیه عقلانی باشد می‌تواند موجب مسئولیت مدنی یا کیفری باشد. سو استفاده از اعمال ولایت می‌تواند آغاز افعال خشونت‌آمیزی هم چون قتل، ضرب و جرح، حبس خانگی، توهین و تحقیر علیه آن

۱ - www. Nooririb. Ir

۲ - www.fararu. com

ها می شود.

پس از ازدواج در خانه شوهر این همان ریاست خانواده با تحکم غیر موجه و سلیقه ای مرد سرآغاز خشونت علیه زنان می گردد. چنین ریاست بی قید و شرطی در خانه به صورت کتک زدن، سوء رفتار جنسی، ناسزاگویی، تهدید، تحقیر، حبس خانگی، با کنترل رفت و آمد ظاهر می شود که آثار زیانبار روانی، جسمی، اجتماعی فراوانی بر جان و روح زنان برجای می گذارد.

جرایم خانگی علیه زنان وسعت زیادی دارند و یکی از ویژگی های این خشونت نهانی بودن آن است که از ۲ منظر قابل بررسی است. زنان به عنوان بزه دیده مایل به طرح آن نیستند و به عبارتی تا کارد به استخوانشان نخورده حرفی از آن به میان نمی آورند. ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و آموزشی یک جامعه تا حدی می تواند دلایل این چنین امری را توجیه نماید. جنبه دیگر موضع رسمی دولت است نتیجه چنین کتمانی تکوین اعمال اجرایی، قضایی و تقنینی خاصی می شود که اصولاً به مسئله خشونت علیه زنان بی اعتنا یا کم اعتنا است. ویژگی دیگر بزه دیدگی در خانه ماهیت ۲ پهلوی آن است. اگرچه جرایم در محیط خانه و حوزه خصوصی رخ می دهد اما صرفاً امری خصوصی نیست و در نتیجه گسترش چنین رفتاری مخالف نظم و وجدان عمومی می باشد و در مواردی قابلیت تبدیل شدن به مسئله بغرنج و در نتیجه یک مفصل سیاسی را نیز دارد. همانطور که امروز نیز از چنین وصفی را نیز دارد. از سوی دیگر با عنایت وقوع چنین افعالی در محیط های خصوصی از لحاظ اثباتی دشواری های خاصی قابل ترسیم است. بدلیل وقوع جرم در حوزه خصوصی و عدم حضور دیگران شما است کمتر می تواند در اثبات وقوع فصل مجرمانه مورد استفاده قرارگیرد. اثبات امر با اقرار نیز اگرچه ممکن است اما بدلیل ذی نفع بودن مرد کمتر رخ می دهد.

بند دوم: خشونت در محیط اجتماع

خشونت حادثه نیست بلکه مشکل اجتماعی است. صفحه حوادث روزنامه ها نشان می دهد که در چند سال اخیر خشونت در میان اقشار جامعه افزایش پیدا کرده ولی تا کنون برای این مفصل چاره ای نیندیشیده است. به عنوان مثال همسرکشی، عاشق کشی نوع شدید خشونت است. معمولاً کسانی که دست به خشونت در محیط جامعه می زنند کسانی

هستند که در تداوم نارضایتی مزمین عمل می کنند که این نیز معلول عوامل مختلفی است. برخی مردان به سبب ساختار مردانه آزادبودنشان با کوچکترین نارضایتی و ناملایمی در روابط مرتکب خشونت می شوند. مشکلات اجتماعی ما از قبیل: اعتیاد، فقر، ایدز، استفاده نادرست از ماهواره ها و اینترنت، انحراف در دوستی با چنین مخالف و... است. افزایش این مشکلات باعث افزایش خشونت در اجتماع شده است. این مشکلات باعث نوعی بی تفاوتی نسبت به این پدیده نابهنجار شده است. رئیس اداره پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه نیز افزایش خشونت در جامعه را مخصوصاً علیه زنان حاصل اساس شدید ناکامی اجتماعی مردانه و براین عقیده است که امروزه و جامعه ما فضای بسیار رقابتی در همه زمینه ها دیده می شود. فرصت مناسب رشد و ترقی برای جوانان وجود ندارد و افراد احساس تبعیض و محرومیت می کنند. این عوامل را که با هم جمع کنیم. خیلی دور از انتظار به نظر نمی رسد که خیابان به فضای جرم و منظر ناکامی های اجتماعی تبدیل شود. متأسفانه در این بین اطلاعات ضدونقیض و متفاوت از میزان خشونت در سطح اجتماع، از اهمیت این مساله می کاهد و باعث می شود.^۱

بند سوم: مزاحمت های خیابانی

مزاحمت هایی خیابانی به ویژه مزاحمت هایی که به اشکال گوناگون برای زنان ایجاد می شود موضوع بدیهی نیست. اما در سال های اخیر با تحصیل بیشتر دختران در دانشگاه ها و مراکز آموزشی، افزایش آمار، اشتغال آن ها نسبت به گذشته و به طور کلی حضور گسترده تر آن ها در سطح جامعه این مزاحمت ها بیشتر به چشم می خورد. در یک تعریف ساده و قابل فهم، تجاوز رفتاری به حقوق خصوصی افراد در منظر و ملأ عام مزاحمت های خیابانی نامیده می شود. افرادی که در جامعه برای زنان مزاحمت خیابانی ایجاد می کند دچار فقر فرهنگی هستند در اصطلاح تازه به دوران رسیده بوده اند و یک مرحله ارتقای مادی در زندگی اجتماعی شان اتفاق افتاده ویژگی مشترک دیگر این است که الگوگیری غلط دانسته اند یعنی مزاحمت را تفریح تلقی می کردند و در تربیت خانوادگی شان طوری بود که جنس مونث را به صورت شکار می دیده اند و فکر می کرده اند خیابان شکارگاه و زنان شکار هستند مورد دیگر این است که بیشتر این افراد مجرد بوده اند یا در دوران مجرد تجربه

رابطه نامشروع داشته اند. ویژگی های دیگر مزاحم های خیابانی در الگوی تربیتی که این افراد دانسته اند به کارکرد جنسیتی زنان اهمیت و اولویت داده می شده و سلطه مردان بر زنان را حق خودشان دانسته اند. یعنی ممکن است این افراد به شهر های بزرگ رفتند و عقاید و تفکر غلط موروثی را یدک می کشند. از سوی دیگر نشان داده شده که بعضی از این افراد متاهل یا در دوران مزاحمت رابطه خوبی با همسرانشان به منظور رفع خلاقاطفی یا دفع تحقیر روحی دست به این کار زدند.

بخش سوم: بررسی و شناخت مصادیق بزهکاری خاص زنان

جوامع هیچ وقت از وجود پدیده مجرمانه در امان نبوده و این مهم مختص مردان نیست و زنان هم شامل می شود. در مطالعات جرم شناختی راجع به زنان با دو گروه از جرایم روبه رو می شویم که یکی مشترک بین زن و مرد بوده و هر دو گروه جامعه می تواند آن ها را مرتکب شوند و دیگری اعمال مجرمانه خاصی است که افراد مشخصاً با توجه به توانایی های جنسی با جنسیت شان انجام می دهند.

بند اول: جرایم بر ضد عفت و اخلاق عمومی

از مهمترین اعمالی که زنان بر خلاف ارزش ها و اصول تایید شده توسط شرع و عرف مرتکب می شوند و جنسیتشان به نحو بارزی در تحقق آن نقش دارد.

الف) روسپیگری

بحث زنان خیابانی یا اصطلاحاً روسپی متعلق است به تمام جوامع بشری که از دیر باز مورد توجه جامعه شناسان، روان شناسان، مددکاران و فعالان حوزه اجتماعی بوده است. فحشاء خرید و فروش روابط جنسی است. به عبارت دیگر ایفای عمل جنسی است با فرد دیگر در مقابل پرداخت پول و در تعریفی مضیق روسپی زن یا دختری است که به خاطر پول و برای ارضای میل جنسی مرد به او تسلیم می شود و در این کار از خود نه اختیار داشته و نه از نظر جنسی لذت می برد.^۱ در قانون ایران تعریفی از این پدیده نشده بر خورد قانون گذار با آن تحت عناوین مجرمانه دیگر نظیر زنا به عمل می آید و این در حالی است که ما به ازای مالی در روابط جنسی ماهیت آن را دگرگون می سازد. پس زمانی که شخص در یک رابطه خاص مبادرت به برقراری رابطه جنسی با دیگری می نماید و موردی که در ازای

۱ ابهری. مجید. آسیب های اجتماعی و راهکارهای مقابله با آن. تهران. جلد اول. نشر پیشوتن. چاپ اول. ۱۳۸۰. ص ۱۳۰

دریافت پول و با این مدت اقدام به عمل نماید، تفاوت بسیاری وجود دارد. اگرچه روسپی ممکن است زن یا مرد باشد ولی معمولاً این عمل را به زنان نسبت می دهند، در حالی که در برخی اوقات مردان نیز برای مردان دیگر، در نقش روسپی ظاهر می شوند که به آن فحشای مردانه می گویند و از محدوده این مقاله خارج است.^۱ لکن از آنجا که در روسپیگری زنان از ویژگی های جنسی و فیزیولوژی خود برای ارتکاب این عمل بهره می جویند به نوعی می توان آن را در این نوشتار جای داد. زنان روسپی اگر بار منفی زیادی را حمل می کنند اما در واقع قربانیان سیستم های سرمایه داری و جوامع مرد سالارند. قربانیانی که هم منفور هم جنسانشان هستند وهم بسته به موقعیت زمانی، مکانی و وجهه اجتماعی، منفور یا مقبول جنس مخالف خود.^۲

یقیناً بسیاری از افراد شب هنگام در خیابان های معروف شهر گذشته و بسیاری از این بردگان جنسی را دیده اند که با ارایشی غلیظ و پوششی خاص به انتظار مشتریان خود هستند. عده ای با افسوس رد می شوند و سر تکان داده و رد می شوند و بعضی دیگر هم لبخند زنان، با نگاهی شهوانی به برگه مشتریان می پیوندند. این زنان در ظاهر خندان چنان می نمایند که از کار خود نهایت لذت را برده و فساد در خون آن ها جاری است اما در واقع اغلب روسپیان افرادی هستند که قربانی خشونت در خانواده و جامعه بیمارشان شده اند. اگرچه در این میان ممکن است زنانی باشند که به علت میل شهوانی بالا و کسب لذت و یا بیماری های خاص روانی، تن به این کار می دهند که البته به نظر می رسد درصد ناچیزی از این گروه را تشکیل می دهند. زنان روسپی از کمترین حقوق انسانی و شهروندی برخوردارند. آن ها بسیار در معرض ضرب و شتم، تجاوز و بیماری های مقاربتی و آسیب های متعدد دیگر قرار دارند. روسپیان در زمان مقرر به ازای مبلغی که دریافت می کنند هیچ نوع حقوقی نداشته باید به همه خواست های مشتری تن در دهد. رابطه بین روسپی و مشتری یک تحقیر متقابل است. در این رابطه هیچ محبتی وجود ندارد و اگر رابطه عاطفی برقرار شود دیگر فحشا نامیده نمی شود. به هر حال فحشاء در هر جامعه ای نشانی از تزلزل پایه های اجتماعی، مطالبات اقتصادی و کمبودهای فرهنگی مردمان خود می دهد. اگرچه

۱ کاکایی. پریسا. دختران دیروز. زنان خیابانی. نشریه نامه. شماره ۴۷. اسفند ۱۳۸۴. ص ۳۵

۲- جانفدا. نسیم. ارتباط بزه دیدگی و بزه کاری زنان. ص ۱۰۵

فقر از دیدگاه جرم شناسان اولین دلیل گرایش زنان به فحشاء به خصوص در جوامع در حال توسعه است، توام کشتن آن با مشکلات فرهنگی، سستی مبانی اعتقادی، لاقیدی اخلاقی، عدم تحمل سختی ها، بی سواد، فقدان مهارت حرفه ای و چشم پوشی نهاد های اجتماعی در حل مشکلات زنان هم احتمال گرایش آنان به فحشاء را بالا می برد.

(ب) مساحقه

مساحقه یا هم جنس گرایی زنان، نوعی از انحرافات جنسی به شمار می رود که در تعریف قانونی طبق ماده ۱۲۷:ق.م.ا عبارت از «هم جنس بازی زنان با اندام تناسلی» طبق قانون این عمل جرم و مجازات آن ۱۰۰ تازیانه است و در صورت تکرار در دفعه چهارم قتل (اعدام) است. این مجازات از موارد حدی و لایتغیر شرعی می باشد که در مورد شخص عاقل، بالغ، مختار و دارای قصد ثابت می شود. مهمترین علت گرایشات همجنس گرایانه زنان برخاسته از مسایل روانی و اشکالات هویت جنسی است. هدایت غلط غریزه سبب برآورده نشدن نیاز واقعی و ایجاد نیاز کاذب در وجود انسان می گردد. این انحراف گاه ریشه در فقر و عدم وجود امکانات تمتع صحیح جنسی و گاه توجه زودرس و بیش از اندازه به غریزه شهوت، موج دلزدگی از جنس مخالف می گردد، شهوت از جمله غرایز سپری ناپذیر انسان است که توجه به آن می یابد در حد معقول و نیاز باشد انحرافات جنسی سلسله وسیعی از رفتارهای جنسی است که تعدادی از آن ها شایع می باشد.^۱ در گرایش به همجنس بازی عوامل فیزیولوژی شخصی و تجارب اولیه فرد در زندگی اجتماعی بسیار مؤثر است. برخلاف بسیاری از نظریه حامی همجنس گرایی که می کوشند با علمی خواندن فرضیات و توجیهات خود، این بهنجاری را امری طبیعی قلمداد نمایند. علوم جدیدی مانند ژنتیک نشان ممی دهد که هیچ انسانی با ژن همجنس گرایی به وجود نمی آید. عوامل متعددی از جمله عدم ارضای فرد از طریق همسر، عدم امکان ازدواج و همزیستی شبانه روزی با جنس موافق در خوابگاه ها و پانسیون ها، زندان ها و از همه مهمتر عدم توجه به ارزشهای اخلاقی و مذهبی از علل مهم همجنس بازی به شمار می رود. بنابراین به نظر می رسد که عوامل محیطی و روانی بسیاری که در تشکیل فاکتورهای ذهنی و شخصیتی افراد تاثیر می گذارد باعث بروز چنین رفتارهایی می گردد. در واقع همجنس گرایی نشانه ای از

رشد ناقص فرآیند ارتباط گیری با دیگران است.

در دهه ۶۰ میلادی همجنس گرایی به صورت گروهی اجتماعی پدیدار شد که آزادی از ستم مردان و قیود اخلاقی را مطرح نمود. از آنجایی که با اندکی تاخیر توانست جای خود را در مباحث فمینیستی باز کند این حرکت را ابزاری برای مبارزه با مردسالاری، نجات از قیود مردانه قرار داد، کسب امتیاز زنان توسط زنان دانست^۱. با اندکی تعمق در مسیر شکل گیری نهضت های هم جنس گرایانه به راحتی می توان دریافت که ظهور این موج از مبارزات تنها کنشی افراطی برای رهایی از ستم مردان بر زنان بوده است. مدیر این مطلب ان است که همجنس گرایان از زنان خواستند تا به جای ائتلاف انرژی برای مردان به سوی زنان دیگر که همفکر و دارای طیف یکسانی از عواطف زنانه هستند گرایش یابند.^۲

ج) ارتباط نا مشروع

شکل دیگری که یک زن ممکن است برای جبران خسارت روحی یا به قصد انتقام از همسر خود اتخاذ کند، خیانت به زندگی زناشویی است.

۱) خیانت عاطفی: در بسیاری موارد زنی که خود را در زندگی زناشویی خود تنها احساس می کند و از طرفی از ابراز صحیح برای برطرف کردن ناراحتی خویش برخوردار نمی باشد، ناگزیر هر محبتی و لو دروغین را به سمت خود جلب نموده و بدین وسیله خود را ارضاء می نماید. انسان موجودی اجتماعی و محتاج روابط با ممنوع خویش و نیازمند رابطه عاطفی و عشق است، چنانچه این نیاز در زندگی زناشویی برآورده نشود به ناچار ممکن است مخفیانه برای خود راه گریزی جستجو نموده و به ایجاد رابطه پنهانی با جنس مخالف خود رو آورد. اگرچه ابتدا این رابطه در اکثر موارد صرفاً یک ارتباط دوستانه معمولی است، لکن در اکثر موارد به شکل اولیه خود باقی نمی ماند. لازم به ذکر است که همین میزان در ارتباط هم می تواند به فجایع دیگری بیانجامد به عنوان مثال برملا شدن یک دوستی ساده در این موارد مسلماً واکنش های متعدد اطرافیان به علت نقص ارزشهای پذیرفته شده را برداشته را در برداشته و کیان خانواده را با خطری جدی روبرو می سازد. اگرچه عمل می تواند در اثر عوامل مختلفی بروز نماید، لکن در حوزه این مقاله علمی می توان گفت از دلایل عمده

۱ همان. ص ۱۱۴

۲ جانندا، نسیم، ارتباط بزه دیدگی و بزه کاری زنان. ص ۷۹

جانفدا، نسیم، ارتباط بزه دیدگی با بزه کاری زنان. ص ۸۰

ارتکاب این فعل می تواند احساس تنهایی، احتیاج به همزبانی و یافتن فردی برای گوش دادن به درددل ها، مبادله احساسات محبت آمیز با دیگری باشند. اصولاً زنانی که مرتکب چنین عملی در زندگی زناشویی شام می شوند خود از انواع خشونت روانی توسط همسر خود رنج می برند و می دانند که در صورت طلاق و برخورد با این موقعیت تنش زا و کسالت آور، تحت شرایط برتری از حیث خانوادگی، اجتماعی و مالی قرار می گیرند، لذا راه حل را اینچنین می بینند.^۱

۲) خیانت جنسی

داشتن رابطه جنسی با فردی به غیر از همسر خیانت جنسی محسوب می شود در حالی که در خیانت عاطفی یکی از زوجین با فردی غیر از همسر خود، تنها رابطه ای صمیمانه برقرار می کند و با او حشرو نشر عاطفی دارد. باتوجه به حرمت این گونه روابط و ارزش بالای نهاد خانواده، شرع مقدس اسلام هم بسیار تند با این پدیده در مقررات خود تحت عنوان زنا محصنه برخورد می نماید که نشان از قباحت شدید این موضوع نزد شرع دارد.^۲ در تعریف قانونی زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که ذاتاً بر او حرام است در غیر موارد به شبهه و برای آن حد شرعی تعیین شده است که در صورت احراز تحصن، سنگسار و در غیر آن شلاق است به استثنای موارد خاصی نظیر زنا با محارم که مستوجب قتل است.

چ) شهادت دروغ

قسم به معنای سوگند خوردن و شهادت که گواهی دادن به حقی براساس شرایط و ضوابط معینه است یکی از طرق اثبات دعاوی کیفری و حقوقی می باشند. از آنجا که قسم و شهادت دروغ در مواردی از جرایم اختصاصی زنان و یا از جمله مواردی است که آمار بزه کاری زنان در آن زیاد است بنابراین لازم است که مبانی حقوقی، فقهی و جرم شناختی آن تشریح گردد. قانون مدنی به تفصیل در مورد آن ها توضیح داده است. دقت در مبانی فقهی شهادت نشان می دهد که تعداد و جنسیت شهادت دهندگان در حقوق مختلف متفاوت می باشد.

زنان که امر موارد محدودی حق شهادت دارند. با این حال ممکن است شهادتی که آنها

۱ همان. ص ۸۰

۲ همان ص ۸۱

می دهند کذب و دروغ باشد. لذا یکی از اشکال جرایم زنان را شهادت دروغ تشکیل می دهد.^۱

شرط اعمال مجازات برای شهادت دروغ این است که فرد خاطی در نزد مقامات رسمی و در دادگاه و در حضور قاضی اقدام به شهادت دروغ کند. در باب حدود به خاطر اهمیتی که شهادت گواه بر اثبات حدود وارد قانونگذار با تبعیت از منابع فقهی در ابواب مختلف تدابیر کیفری کافی در نظر گرفته است. شهادت امری است که باید با اراده رافع و به دور از احساسات و عواطف تحقق یابد. حال آن که زنان از لحاظ روانی افرادی احساسی و عاطفی می باشند. به همین دلیل در دعاوی مهم کیفری همانطور که دیدیم شارع شهادت را بر عهده مردان قرار داده است و این تکلیف را از دوش زنان برداشته است مگر در دعاوی که شهادت زنان تنها راه حل دعوی است و نیز در دعاوی مالی منع شهادت زنان پذیرفته شده است. در مورد جرم شهادت دروغ از سوی زنان به وقوع می پیوندند باید گفت که معمولاً زنان به منظر پنهان نمودن اسرار شخصی یا خانوادگی یا نجات عضوی از اعضای خانواده خویش اقدام به شهادت کذب در دادگاه می کنند.

گاهی نیز تهدیدی که از سوی مردان متوجه زنان است با توجه به آسیب پذیر بودن مردان امکان تحقق آن را از سوی زنان با سهولت بیشتری صورت میگیرد. در مواردی مهم مادری نسبت به فرزند او را توجیه می کند که شهادت کذب بگوید هرچند به قدر خودش باشد.^۲

بند دوم: جرائم علیه اشخاص

بسته به این متضرر جرم چه چیزی باشد. تقسیم بندی خاصی برای مطالعه بهتر جرایم وجود دارد که از مهمترین آن ها جرایمی است که مورد تعرض قرار می دهد و دامنه شمول آن از توهین و ضرب و جرح خفیف تا قتل گسترده تر می شود. مهمترین و سنگین ترین جرایمی که باعث ایجاد صدمات جسمانی و بدنی می شود. آن هایی است که باعث مرگ مجنی علیه می شود.

الف) سقط جنین

۱ وظیفه، علیرضا، جنسیت و بزه کاری. ص ۱۷۰

۲همان. ص ۱۷۲

از نظر لغوی سقط جنین عبارت از اخراج قبل از موعد جنین در حالی که موجود تکوین یافته قادر به زندگی در خارج از رحم نباشد. در اصطلاح فقها عبارت است از افکندن یا خارج نمودن عمدی جنین از درون رحم مادر و در نتیجه پایان دادن به حاملگی قبل از موعد طبیعی سقط جنین ممکن است به صورت طبیعی یا ارادی صورت گیرد. از دیدگاه فمینیسم حیات انسان محدود به زمان تولد تا مرگ است و احترام به آن در همین محدوده مطرح می شود برای جلوگیری از فرودستی زنانی که از ظرفیت زیست شناختی آنان برای تولید مثل نشأت میگیرد. زنان باید نسبت به باروری و داشتن فرزند کنترل داشته و سقط جنین را حق خود و آن را خاتمه دادن به حاملگی دانسته و زن را مالک جسم خویش می دانند. در نتیجه به سادگی می توانند جنینی را که در رحمشان مانع آسایش و رفاه خویش می یابند به قتل برسانند و قانون نیز در برخی نظام ها از آنان حمایت می کند.^۱ در نظام حقوقی ایران با توجه به قوت و استحکام باورهای دینی در جامعه و الهام پذیری قوانین و مقررات حقوقی از موازین و احکام شرعی موجود در فقه امامیه، سقط جنین در اکثر موارد جرم تلقی شده و فقط در موارد محدودی حکم به جواز آن داده شده است.^۲

در مباحث فقها جواز اسقاط جنین در مورد جنین ناشی از زنا مورد بحث قرار گرفته است. بدین توضیح که به طور مثال حاملگی ناشی از تجاوز جنسی قطعاً فشار روحی زیادی به مادر تحمیل می کند. به طوری که هم در دوران حمل و هم پس از تولد کودک نامشروع، مادر دچار عسر و حرج شدید می شود فلذا بعید نیست در این مورد قائل به جواز سقط جنین شد. مرحوم آیت الله فاضلی لنکرانی در پاسخ به سوال در مورد جواز سقط جنین ناشی از زنا به دلیل حفظ آبرو و یا آزار جسمی از ناحیه خانواده می فرمایند: بلی اگر روح در آن دمیده نشده باشد (قبل از ۴ ماهگی) و مراحل اولیه را طی می کند، در صورتی که دختر اطمینان دارد و احتمال عقلایی بدهد که اگر جنین را سقط نکند مورد اذیت و آزار غیرقابل تحمل قرار می گیرد و در عسر و حرج شدید واقع می شود بعید نیست سقط جنین در چنین شرایطی حرام نباشد. ولی قانون مجازات اسلامی بدون آنکه تعریفی از سقط جنین ارائه داده باشد آن را جرم دانسته و حتی سقط جنین ناشی از زنا را مانند سقط

۱ فریدمن، جین، مترجم فیروز مهاجر، جلد اول، تهران، انتشارات آشیان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۳۷

۲ جانفدا، نسیم، ارتباط بزه دیدگی با بزه کاری زنان، ص ۸۲

جنین ناشی از رابطه حلال، دارای کیفر و مجازات معرفی می کند. از جمله عوامل موثر در سقط جنین به طور کلی می توان به بی بند و باری جنسی و روابط نامشروع منجر به حاملگی، اشتغال زنان، وضعیت نابسامان اقتصادی، فقر فرهنگی و عدم آشنایی با وسایل پیشگیری از بارداری و در نتیجه حاملگی ها ناخواسته، روابط متشنج بین زوجین، عدم اطمینان از پایداری و ثبات در زندگی زناشویی و گریز از مسئولیت مراقبت از فرزند و... اشاره کرد.^۱

ب) بچه کشی

یکی از جرایمی که جوامع بشری با آن روبرو بوده اند و از دیرباز مقررات خاصی برای جلوگیری از وقوع این پدیده و مجازات مرتکبین آن تدوین شده است. جرم بچه کشی با کشتن نوزاد است. در رویه های پزشکی نوزاد به طفل تازه به دنیا آمده ای اطلاق می شود که هنوز بند نافه او نیفتاده است و در بعضی کشورها به طفلی تازه به دنیا آمده می گویند که هنوز برای او شناسنامه نگرفته باشند. و تحت عنوان کلی قتل لحاظ می شود لکن از آنجایی که جرمی زنانه محسوب می شود به ذکر اجمالی در این مقاله بسنده شده است.

ج) شوهرکشی و شوهرآزاری

اگرچه که این نوع رفتار با تعریف قانونی از جرم مطابق نیست لکن هر نوع خود نوعی از انحراف، تخطی از هنجارهای جامعه ناسازگاری است از این رو ذکر آن در مباحث جرم شناسی در مفهوم تخصصی آن خالی از فایده نخواهد بود. خوشبختانه در ایران هنوز موضوع شوهرآزاری به یک مفصل تبدیل نشده و میزان آن از کشورهای دیگر بسیار کمتر است.

در زندگی زناشویی ممکن است ۴ حالت از ارتباط بوجود آید:

حالت اول این است که زن تبدیل به کنیز و مرد تبدیل به آقا و سرور می گردد و یا به عبارتی زن به اسارت مرد درمی آید. فمینیست ها در این مقوله بسیار فعالیت و حتی گاه آنقدر زیاده روی کرده اند که همه مردان را این گونه دیده اند گرچه در این مورد در خانواده های سنتی به دخور دیده می شود ولی هنوز هم نمی توان پذیرفت که همه خانواده ها از این الگوهم پیروی می کنند.

حالت دوم: زمانی که مرد قدرت کمتری در زندگی زناشویی دارد و در واقع مرد خواسته

۱ جلالی، اسماعیل، زنان و پیامدهای سقط جنین. فصل نامه کتاب زنان، شماره ۲۲. زمستان ۱۳۸۲، ص ۵۷

های همسرش را برخواسته های همسرش رابخواسته های خودش ترجیح می دهد این حالت معمولاً از چشم ها پوشیده می ماند.

حالت سوم: زمانی است که مرد آقا باشد زن خانم بدین معنا که هریک خواست خود را بر همسرش مقدم شمارد و در فردیت خویش غرق شود. این شیوه بسیاری را به دنبال خودش کشیده است.^۱

حالت چهارم: شکلی است که هر کدام خواسته دیگری را رجوع می داند مرد خود را برای زن و زن خود را برای مرد می داند این حالت را در ازدواج های موفق می توان دید.

۲- پدیده شوهر آزاری در حالت دوم برخی موارد به چشم می خورد در برخی موارد حاصل واکنش و تغییر زوجین است و زن در واکنش به شرایط تهدید کننده و آزار دهنده است که این شیوه از دفاع را بر می گزیند.^۲

شوهر آزاری رفتاری آزاردهنده از سوی زن علیه شوهر در محیط خانواده می گویند. خشونت خانگی مرد علیه همسرش به انواع جسمی، روانی، جنسی و اقتصادی تقسیم می شود. به طور خلاصه می توان از مصادیق شوهر آزاری موارد ذیل را نام برد:

۱- جسمی مانند ضرب و جرح همسرکشی
۲- روانی مانند: تخریب حیثیت و ابروی شوهر، شکستن حرمت پدر نزد فرزندان، فحاشی، انتصاب صفات ناشایست

۳- جنسی: این مورد زنان بیشتر به صورت بی تفاوتی و بی میلی و محرومیت جنسی ظاهر می شود و گاه فقط در صورت تراضی به برقراری ارتباط می شوند که در مسائل دیگر از مرد باج بگیرند. این قسم از رفتار زنان هم به علت غرور همسران شان در طرح ان، تقریباً همیشه ناگفته می ماند.

۴- اقتصادی: اسراف، بذل و تصرف در مال شوهر بدون رضایت وی، از مصادیق اقتصادی رفتار هستند

شوهر آزاری دلایل متفاوتی دارد. از عوامل روان شناختی، فرهنگی اجتماعی در این موضوع موثرند، تنهایی، افسردگی، ترس، دگر آزاری، عدم تناسب با هم و عدم علاقه به

۱ جانفدا. نسیم. ارتباط بزه دیدگی با بزهکاری زنان. ص ۸۴

۲ خالقی ثابت. علیرضا. مقاله در اسارت زن. مجله زنان. شماره ۱۱۵. اذر ۱۳۸۳. ص ۲۸

همسر، اختلاف مذهبی و از همه مهتر ناکامی و محرومیت می تواند سبب ساز بروز این پدیده گردد.

گاهی زنی که از شوهرش گله مند است و ابزار قانونی و اجتماعی را برای حل مشکل خود و رهایی از این موقعیت ازار دهنده ندارد به ناچار به اولین حربه دست می بازد و سعی می کند به طرق گوناگون از خشم خویش بکاهد و ممکن است از هر کدام از اقسام این خشونت ها برای رسیدن به هدف خود استفاده نماید به عنوان مثال زنی که از همسر خود کتک خورده، چگونه می تواند با رویی خوش با او رفتار کرده، عشق بورزد و او را به زندگی زناشویی دلگرم نماید به نهایتا به نظر می رسد از مهمترین عوامل شوهر آزاری، دلخوری و خشم زن از همسرش باشد.

چ) همسر کشی

همسرکشی جرمی است که در آن زن شوهر خود را یا مرد زن خود را می کشد، اگرچه این عنوان در قانون کیفری عنوان مستقلی را به خود اختصاص نداد. و با عنوان کلی قتل مجازات می شود، لذا در مباحث جرم شناختی، در حیطه مطالعات زنان از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، همسرکشی جرمی مشترک بین زنان و مردان است ولی از آنجا که در نهاد خانواده و در ارتباط با پیوند زناشویی افراد بوجود می آید. شدیدترین واکنش بزهکارانند از سوی زنان قربانی خشونت خانگی بخصوص از سوی زوج اقدام به قتل عامل آن است که گاه اتفاقی و در مقام دفاع از خود به قصد به حداقل رسانیدن یا متوقف نمودن آسیب های وارده و گاه در نتیجه نقش های از پیش تعیین شده واقع می گردد. هنگامی که یک زن یا مرد همسر خود را می کشد در واقع این خانواده است که قربانی واقعی جرم می شود. زیرا با وقوع همسرکشی دیگری نیز از نظر روحی نابود می شود.

زنان سوئد زمانی دست به خودکشی می زنند که کنترل خود را از دست داده و احساس می کنند که دیگری نمی توانند همسر خود را تحمل کنند. و ضربه روحی که به آن ها وارد می شود. به گونه ای است که دیگر تاب و تحمل ندارد. در بسیاری موارد زن وقتی می بیند هیچ قدرتی ندارد و هیچ کنترلی در اوضاع وجود ندارد و دیگر تحمل اهانت های فیزیکی یا روانی را ندارد و به نقطه ای غیر قابل برگشتی رسیده است دست به خودکشی می زند. مشکلات زندگی زناشویی و اساس بیزاری همسران نسبت به یکدیگر و کاهش عزت نفس ناشی از اقدامات خشونت آمیز سبب می گردد که هرگاه مرد دیگری برسر راه زنان قرار

گیرد و به او ابراز تمایل نماید. زن علیه غم عشق مادر و عطف ذاتی خود برای رهایی از همسری که از او نفرت دارد. زمانی که قیود مذهبی و اخلاقی کافی نباشند به علت وسوسه و یا کمک شخص مذکور مقدمات قتل همسر خویش را فراهم می آورد و خود مباشر یا شریک ارتکاب این فعل مجرمانه می گردد.^۱

بند سوم: جرائم علیه اشخاص

حد اصطلاح جرایمی را که مرتکب آن ها معترض حق مالکیت شده یا به اموال آسیب وارد نماید. را جرایم علیه اموال گویند که شایع ترین آن ها سرقت می باشد. امروزه جرایم علیه اموال و مالکیت در سطح جهان به دلایلی چون عدم برخورداری از حداقل امکانات معاش و دفتر اسناد، فحشاء، اعتیاد به الکل و مواد مخدر، تورم و بیکاری، میل به تحمل و تهیه وسایل زندگی مدرن و جدید، انحرافات فرهنگی و اجتماعی... روبه افزایش است لذا ضروری است به نظر می رسد مختصری از جرایم زنان در این حیطة مورد بررسی قرار گیرد. الف) قاچاق مواد مخدر

مواد مخدر مانند هر کالای دیگر تابع مقررات عرضه و تقاضا و دارای اشکال مختلف خاص تولید، توزیع و مصرف است. مشکلات مالی از جمله عوامل مهم کشیده شدن و شیوع قاچاق و مصرف مواد مخدر دامن می زنند. اعتیاد مهم ترین عامل در جهت سوق دادن گرفتارانش به سوی خرید و فروش مواد برای تامین مایحتاج خود در این بیماری است.^۲

به علت خصیصه پنهان بودن اکثریت دیگر جرایم زنان، آمار محکومین در زندان های کشور حاکی از درصد بالای وجود این جرم در زنان ایرانی است.^۳ اعتیاد بین قاچاقچیان عمده نادرست است اما نخستین عمده خرده فروشان مصرف کننده نیز هستند. در آغاز فرا برای رفع نیازهای مادی و دستیابی به پول، به خرید و فروش مواد می پردازد. بتدریج بر اثر ابتلای به اعتیاد، این دلیل اولیه جای خود را به وابستگی به مواد می دهد. در واقع یک دور باطل ایجاد می شود که نتیجه ای جز تشدید مشکلات و فرو رفتن بیش از حد در این مرحله ندارد. در اغلب موارد بیماری های روحی و روانی زمینه ساز اعتیاد زنان می باشد اما

۱ جانفدا، نسیم، ارتباط بزه دیدگی با بزهکاری زنان، ص ۸۷

۲ همان، ص ۸۴

۳ همان ص ۸۹

چنان چه فرد قبل از اعتیاد از سلامت روحی و روانی برخوردار باشد، اعتیاد می تواند موجب بروز بسیاری از بیماری های روانی باشد. معمولاً، شوهر معتاد به مواد مخدر، مواد مخدر را در اختیار همسرش می گذارد و کم کم همسرش را وارد حیطه اعتیاد می کند زیرا سوء استفاده از همسر جهت تهدید مواد مخدر، انتقام جویی و تلافی از همسر و از بین بردن منجر مساله، جلوگیری از متارکه و جدایی از او، رهایی از نزاع و سرزنش های زوجه، یافتن شریک و همدم برای مواقع استعمال، وابسته نمودن هرچه بیشتر همسر به خود و..... همسرش را نیز معتاد نماید^۱ و در چنین شرایطی است که فاجعه ای عمیق در مهمترین نهاد یک جامعه رخ می دهد و نسل بعد از خود را به تباهی می کشاند. پیامد های اعتیاد بیشتر از این حیث پر رنگ می شود که در مقام عامل مهم زمینه ساز در ارتکاب جرایمی چون روسپیگری، سرقت، قاچاق مواد مخدر و..... عمل می کند و از فرصت و قداست وجود زن در خانواده و جامعه می کاهد.

ب) اختفای مال مسروقه

شیوه های ارتکاب جرم توسط زنان به اندازه میزان ارتکاب جرایم آن ها، با مردان متفاوت است. زنان با توجه به خصیصه محافظه کار بودن بیشتر و یاد گرفتن پنهان کاری در شرایطی خاص از زندگی شان و احیاناً ضعف جسمی شان، در جرایم مالی هم اصولاً ترجیح می دهند مبادرت به اختفای مال مسروق نمایند یا این که مبادرتاً مرتکب جرم سرقت شوند و اهمیت موضوع موجب گردیده در بحث جرایم خاص زنان به دلیل حضور گسترده شان در این مورد به ذکر آن بپردازیم. در مواردی هم که به هر علتی زنان مبادرت به سرقت به عنوان جرم مستقل از جنسیت خویش می نمایند. شرایط خاصی را برای آن در نظر می گیرند که خود جای بحث گسترده دارد.

نتیجه گیری

در مجموع می توان گفت اگرچه ممکن است از طرفی عامل بزه دیدگی زنان زمینه ساز وقوع جرایم گوناگون و متنوعی از جانب آن ها گردد. از سوی دیگر بزه دیدگی آن ها هم بر جامعه بسیار پیش از موارد ذکر شده در این مقاله می باشد. بزرگترین مشکل ایران مخصوصاً در مبارزه با خشونت خانگی می بایست پنهان بودن و

عدم وجود اطلاعات آماری صحیح دانست که به این رنج زنانه رنگی از رعایت بخشیده و تکرار آن سیاست جامعه مردسالار را کاهش داده است. نادیده پنداشتن خشونت خانگی تنها به قداست محیط خانواده توهین نمی کند بلکه در واقع این زنان قربانی همواره در حالت ترس و وحشت به سر می برند. این موضوع برآینده خودشان و فرزندانشان تاثیر می گذارد مبارزه با بزه دیدگی زنان فقط نباید از طرف مسئولین باشد بلکه از در قشر خود زنان و جامعه نیز باید مبارزه وجود داشته باشد در مرحله ی بعدی مبارزه باید مسئولین ذیربط ارجاع داد.مسئولین می توانند با پیگیری زندگی دختران بی سرپرست و بعد سرپرست همچنین زنانی که بزه دیده هستند بخصوص زنانی که دچار تجاوزهای جنسی شده اند. حس امنیت را به زنان در جامعه برگردانند. در آخر باید گفت برای جلوگیری از بزه دیدگی و یا بزهکاری زنان در قدم اول خود زنان هستند که باید از خود حمایت کرده و باروحیه ای بالا و از راه درست و قانونی از حقوق خود دفاع کرده و آنچنان با قدرت در جامعه برخورد کنند که به بزهکاران اجازه ندهند به آنان یه چشم قربانی نگاه کند. در سال های اخیر نظریات متفاوتی برای مبارزه با بزه دیدگی و بزهکار زنان بیان شده است. دستیابی به دلیلی قاطع و جامع در توجیه رابطه علی بین بزه دیدگی و بزهکاری زنان ناچار به درک از این تئوری ها می باشیم. استعدادهای خاص فیزیولوژی زنان و از طرفی دیگر گاه نحوه واکنش روانی آنان به موقعیتی آزار دهنده و الگوهای فکری غلط و زمانی که با بستر مناسبی در جامعه همراه شود می تواند به راحتی سبب ساز وقوع پدیده ای دردناک تحت عنوان بزهکاری آن هم از سوی گروهی از پیکره اصل جامعه شویم که به داشتن غریزه مادری و عطوفت زیاد مشهور می باشند. این واقعیت غیر قابل انکار است که بین بزه دیدگی و بزه کاری زنان رابطه معنا داری وجود دارد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد

۱) دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. جلد ۳. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ سوم. ۱۳۵۷. کتاب های فارسی

۲) ابتکار، معصومه، جنسیت و تحلیل جنسیتی و توسعه یافتگی، تهران دفتر امور زنان ۱۳۸۶

۳) احمدی، حبیب. نظریه انحراف اجتماعی. انتشارات رز. چاپ دوم. شیراز. ۱۳۹۶

۴) اعزازی، شهلا. خشونت خانوادگی (زنان کتک خوره). نشر سیاسی. چاپ سوم. ۱۳۹۸

۵) ابهری، مجید. آسیب های اجتماعی و راه های مقابله با آن. نشر پستوتن. ۱۳۹۲

۶) اسلامی نسب، علی. بحران خودکشی. تهران. انتشارات فردوس. ۱۳۹۰

۷) بختیار نژاد، پروین. زنان سوخته. جلد سوم. تهران. نشر میزان. ۱۳۹۵

۸) پور افکار، نصرت الله. فرهنگ جامع روان پزشکی و زمینه های وابسته. فرهنگ معاصر ۱۳۷۳.

۹) پاوه، ابراهیم. حقوق کیفری اختصاصی. انتشارات دانشور. چاپ دوم. ۱۳۹۵

۱۰) جعفری لنگرودی، محمد جعفر. مسبوط در ترمینولوژی حقوق. جلد دوم. نشر گنج دانش. تهران ۱۳۸۶

۱۱) جلالی، اسماعیل. زنان و پیامد های سقط جنین. شماره ۲۲. ۱۳۸۲

۱۲) حق شناس، علی محمد. فرهنگ معاصر هزاره. انتشارات فرهنگ معاصر. تهران. ۱۳۸۲

۱۳) رایجیان اصل، مهرداد. بزه دیده شناسی. تهران. نشر دادگستر. ۱۳۸۴

۱۴) رایجیان اصل، مهرداد. بزه دیده شناسی. نشر دانش. تهران. ۱۳۸۴

۱۵) ساروخانی، باقر، دایره المعارف علوم اجتماعی، نشر کیهان، چاپ اول، تهران. ۱۳۷۰

۱۶) ستوده، هدایت ا..، روانشناسی جنایی، نثر آوای نور، چاپ چهارم، تهران. ۱۳۸۴

۱۷) سارمی، جعفر، اساس و مبانی جرم شناسی، انتشارات جاودانه، چاپ اول، تهران. سال ۱۳۸۷

۱۸) سیاسی، علی اکبر، روانشناسی جنایی، انتشارات کتابخانه ای، چاپ سوم، تهران. ۱۳۹۳

- ۱۹) شیخی، محمدتقی، جامعه شناسی زنان و خانواده، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰
- ۲۰) شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، انتشارات مجد، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۵
- ۲۱) عنصری، امام ا..، تئوریهای انحراف، نشر معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ۲۲) فرجاد، محمدحسین، روانشناسی و جامعه شناسی جنایی، نشر همراه، چاپ سوم، ۱۳۷۹
- ۲۳) فرهمند، مریم، فمینیسم و لزنسیسم، فصل نامه کتاب زنان، ۱۳۸۴
- ۲۴) کی نیا، مهدی مبانای جرم شناسی، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳
- ۲۵) کاکایی، پریسا، دختران پیروز، نشریه نامه، تهران. شماره ۴۷، اسفند ۱۳۸۳
- ۲۶) گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۲
- ۲۷) ممتاز، فریده، انحرافات اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۱
- ۲۸) مجی، فاطمه، آسیب شناسی زنان، خشونت علیه زنان، فصل نامه کتاب زنان، شماره ۱۳۵، ۱۳۸۴
- ۲۹) نجفی، ابرنآبادی، علی حسن، تقریرات درس جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴
- ۳۰) نجفی توانا، علی، جرم شناسی، نشر آموزش و سنجش، چاپ ششم، ۱۳۹۴
- ۳۱) نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادگستر، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۲
- ۳۲) وظیفه، علیرضا، جنسیت و بزهکاری، جلد اول، تهران، کتاب آوا، ۱۳۹۶
- ۳۳) هاید، ژانت، روانشناسی زنان، ترجمه بهزاد رحمتی، انتشارات نوربخش، چاپ اول، ۱۳۸۰



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی